

مفاله‌ای که در زیر می‌خوانید یکی از آخرین نوشته‌های روان‌شاد ابوالفضل دریائی است که در عنفوان شباب، دار فانی را وداع گفت. مرحوم ابوالفضل دریائی از سال ۱۳۷۳ به عنوان بستان‌شناس و عضو هیأت علمی در معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور مشغول به کار شد و در کاوش‌های سلطانی، مسجد جامع کاشان و تپه زاغه به طور فعال شرکت داشت. همکاری کوتاه اما پربرکتش دیری نپایید که در حین یک سفر پژوهشی به لقاءالله پیوست. روانش شاد.

چاپ و انتشار چاو در ایران و علل عدم قبول آن از سوی مردم

مرحوم ابوالفضل دریائی
عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی کشور



در اوایل قرن هفتم هجری ایران مورد تهاجم قبایل مغول قرار گرفت. این حملات که از سوی جانشینان چنگیز نیز ادامه پیدا کرد، خسارات جبران ناپذیری بر ساختار اجتماعی، اقتصادی ایران وارد کرد. در حملات اولیه مغولان به ایران هر چند اکثر شهرهای آباد و معمور آن روزگار تقریباً با خاک یکسان شد و ساکنان آن به قتل رسیدند، اما تمامی ایران به تسخیر آنان در نیامد، به همین دلیل مسئولیت فتح نهایی ایران، از سوی «سکوقان» به هلاکو واگذار شد (۶۵۱ هـ) و بدین ترتیب ایران یکبار دیگر مورد تاخت و تاز قبایل مغول قرار گرفت. هلاکو طی سلسله حملاتی گسترده، موفق به بر انداختن سلسله اسماعیلیان در ایران و خلقای عباسی در عراق عرب شد. او در سال ۶۵۶ هـ مراغه را به عنوان مقر حکومت خویش در ایران انتخاب کرده یا این عمل، رسماً سلسله ایلخانیان را در ایران بنیانگذارد. یورش‌های مغول، موجب تخریب سیستم های اجتماعی، اقتصادی، ویرانی شهرها و زمینهای مرزویی، کاهش جمعیت (کاهش نیروی کار)، خرابی راهها، کاهش امکان تجارت و ایجاد بی‌نظمی و ناامنی در کشور شد، که نتایج عمومی آن ترویج فساد، فقر، دزدی، ارتشاع و از بین رفتن سیستم‌های مالی و اقتصادی بود.

علاوه بر عوارض ناگوار فوق، وضع مالیاتهای سنگین و به قدرت رسیدن افراد بی‌کفایت در این دوره نیز از عوامل دیگر به وجود آمدن بحران‌های مالی و پولی این دوره بود، و به واسطه وجود این اوضاع نامساعد اکثر ایلخانان برای رفع احتیاجات دربار خویش، متوسل به استقرار افزایش مالیات و ضبط و ثبت اموال مردم می‌شدند که این عوامل خود موجب تشدید نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی می‌شد. مجموعه عوامل فوق‌الذکر و عوامل دیگری که در ذیل بحث خواهد آمد، سبب صدور فرمانی از سوی گیخاتو پنجمین ایلخان ایران شد که به موجب آن چاو^(۱) یا پول کاغذی جایگزین سکه های طلا و نقره در معاملات می‌شد.

پس از فوت ارغون (۶۹۰ هـ)، بزرگان مغول، برادرش گیخاتو را به جانشینی او انتخاب کردند. او در جمادی الاخر سال ۶۹۱ هـ بر تخت نشست و جستی منفصل و پرخرج بر پا کرد، به طوری که تمامی موجودی خزانه و سنگ‌های قیمتی را میان اطرافیان بخش کرد؛ زیرا او معتقد بود که دامال این متاع در خور ایشان است تا بدان آرایش کنند و مگرته چه در خزانه پادشاهان بی‌فایده بماند و چه در قعر دریاها در دل صفا^(۲).

گیخاتو مسکتورنویان (شکتورنویان) را نیابت سلطنت، آق‌بوقا را به سمت امیرالاصرائی و خواجه صدرالدین زنجانی را به صاحب دیوانی کل مملکت انتخاب کرده و لقب «صدر جهان» را بدو اعطاء کرد. «پس از این اعمال به کار رعیت پرداخت و باب کرم و سخا بگشود، چنانکه بعد از «اوکتای‌قان» در خاندان چنگیز به سخاوت و کرم چون او نیامده است. بسیار دیده شد که به زنی سیصد هزار دینار صله داد و هدایای ملوک را

پیش از آنکه بگشاید به زنی یا دختری می‌بخشید و هر چه اطرافیان کار او را بر اسراف حمل می‌کردند او واقعی نمی‌نهاد.^{۴۲}

واسطه چنین اعمالی و نیز بی‌کفایتی صدرالدین وزیر، این دوره از نظر اقتصادی، از بدترین ادوار اقتصادی در عصر ایلخانان محسوب می‌شود، زیرا اسراف کاری‌ها و بذل و بخشش‌های بیش از حد گیخاتو تا آنجا ادامه یافت که خزانه بلکی از زر و سیم تهی شد، به طوری که گاهی حتی برای خرید یک سرگوسفند جهت مطبخ ایلخانی نیز پولی در خزانه موجود نبود.^{۴۳}

وصاف که نوشته‌های او در این مقاله به کرات مورد استفاده قرار گرفته است، در مورد اسراف و تبذیرهای ایلخان و افزایش هزینه‌های زمان گیخاتو نقل کرده است که دخرج مطبخ شاهزادگان و خوانین در زمان آباقاخان و سلطان احمد چهل تومان بود، هنوز مسئولان اسر مورد اعتراض بودند که این مبلغ بیش از اندازه است، در حالی که در عهد این دولت، صد و شصت و پنج تومان در این راه صرف می‌شود و هنوز شاهزادگان و خوانین باز خواست می‌فرمایند که چرا افزون نمی‌شود.^{۴۴}

در بررسی تاریخ سیاسی، اجتماعی این دوره متوجه می‌شویم که تهی شدن خزانه که موجب بروز و تشدید مشکلات اقتصادی، اجتماعی شدیدی شد، تنها واسطه اسراف و تبذیرها و بخشش‌های بیش از حد ایلخان و اطرافیانش بوده است، زیرا در توجیه علل خالی بودن خزانه در این زمان، به سواردی از قبیل جنگهای طولی المدت، سیل، توفان، زلزله و غیره که همگی می‌تواند موجب بروز مشکلات اقتصادی شوند، بر نمی‌خوریم، وصاف در مورد استقراضها و آشفته‌گی‌های اقتصادی زمان گیخاتو علل ذیل را مطرح کرده است:

«بعد از واقعه ارغون خان در رمه و گله مغول و یایی افتاد که خود آن را «یوت» گویند و بدین سبب اکثر مواشی مخصوصاً در بغداد و موصل و دیار بکر و خراسان تلف شدند و در خزانه وجهی نمانده بود، گشاده دستی صدر جهان و مالی که برای راضی ساختن خلق به طور وظیفه و اداری و انعام به ایشان می‌بخشید و نیز بی‌میلانی ایلخان در بذل و بخشش و بی‌مقدار بودن زر و سیم در نظر او بیشتر موجب پیش آمدن این وضع گردید، چنانکه در مدت دو سال که صدر جهان عهده دار وزارت و حکومت بود قریب پانصد تومان (یعنی پنج هزار هزار دینار) قرض کرده و به موجب «قرض بیکناه» به صاحبان حوالات داده بود و امراء بزرگ از آن آگاه بودند.^{۴۵}

با توجه به شرایط نامساعد فوق‌الذکر که موجب بروز اختلال در امور مالی و پولی شده بود و نیز با هدف ذخیره سازی سنگهای قیمتی و مسکوکات در خزانه دولت و قطع استقراضهای دولتی، «عزالدین مظفر بن محمد بن عمیده» که مشاور صدرالدین وزیر بود مسئله چاپ پول کاغذی یا چاو را با صدرالدین مطرح ساخت، او این پیشنهاد را با توجه به آگاهی از مسائل چین مطرح کرد، زیرا پول کاغذی برای اولین بار در

چین اختراع، چاپ و انتشار یافته بود و انتشار آن در زمان حکمرانان مغولی چین یعنی «لوکتای» و «قویلی» نیز تکرار شده بود این بطوطه در سقرنامه خویش اطلاعات مفیدی در مورد پول کاغذی چین به شرح ذیل در اختیار ما قرار داده است:

«معاملات مردم چین روی دینار و درهم انجام نمی‌گیرد، از این پول آنچه به چین می‌رود جمع کرده آب می‌کنند، طلا و نقره آن را به شکل شمش در می‌آورند. معاملات آنها روی کاغذ پاره‌هایی است که هر کدام از آن به اندازه کف دست است و بر آن علامت مخصوص سلطان نقش شده، هر بیست و پنج قطعه از این کاغذها را یک بالش می‌نامند که به معنای دینار مرسوم است، چون کاغذهای مزبور پاره شود، آن را به اداره مخصوصی که مانند سگد خانه‌های ما است می‌برند و در عوض کاغذهای نو می‌گیرند، هیچ اجرتی هم در مقابل این تعویض درخواست نمی‌شود، زیرا مأمورین مزبور از سلطان حقوق می‌گیرند. ریاست این اداره را یکی از اسرای بزرگ برعهده دارد. اگر کسی یا پول طلا و نقره بازار ببرد نمی‌تواند چیزی بخرد و حتماً باید آن را با بالش عوض کند تا بتواند معامله‌ای انجام دهد.^{۴۶}»

وصاف چگونگی پیشنهاد چاپ پول کاغذی از سوی «عزالدین مظفر بن محمد بن عمیده» مشاور صدرالدین را چنین آورده است:

«عزالدین مظفر بن محمد بن عمیده» که از چاپ اسکناس در چین اطلاع داشت، عرض کرد که اکنون خزانه خالی است و نیاز به مال جهت پرداخت حواله و سایر مخارج بسیار است و وام کردن هم بعد از این دشوار و اگر بناگاه لازم شود که سپاهی آماده کنیم از عهده برنماییم، از سوی دیگر پیش از این نمی‌توان از رعایا خراج گرفت، چه سبب تنفر خاطر آنان و تخریب بلاد شود، بهتر است، مانند ممالک قان به جای زر و سیم «چاو» را معمول سازیم تا ابواب معاملات مفتوح شود و مال به خزانه باز گردد.^{۴۷}»

صدرالدین وزیر موضوع چاپ اسکناس را با گیخاتو مطرح کرده و سعی بسیار در جلب نظر او در مورد پذیرفتن چاپ اسکناس نمود. گیخاتو نیز با «امیر پولاد چنگ سانگ» نماینده خان بزرگ در این باره مشورت کرده نظر او را جویا شد. او در جواب «تقریر کرد که چاو کاغذیست که تمغای^{۴۸} پادشاه بر آنجاست و در تمامت ختای (چین) جای درم و مسکوک می‌رود و نقد آنجا بالش است و خزانه عامره می‌رسد»^{۴۹} پس از تأیید نماینده خان مغول، گیخاتو نیز واسطه مشکلات عدیده اقتصادی و مالی و با هدف بهبودی اوضاع اقتصادی، اجتماعی با چاپ و انتشار چاو یا پول کاغذی در ایران موافقت کرد.

در مورد علل پیشنهاد چاپ اسکناس از سوی صدرالدین وزیر و اصرار او در انجام این کار، رشید الدین معتقد است که «صدرالدین با چاپ چاو می‌خواست کاری کند که دیگران قبیل از او نکرده‌اند»^{۵۰} اما واقعیت این است که گیخاتو و اطرافیانش به اجبار و به عنوان آخرین راه حل و به امید بهبودی اوضاع اقتصادی یا چاپ و نشر اسکناس موافقت

کردند، زیرا این عمل در ظاهر موجب رواج تجارت، کاهش مالیات و تسکین خاطر فقرا می‌شد، به همین دلیل گیخاتو «یرلیغ داد که حکما جزما و حتما مقتضیاً که در سایر ممالک به هیچ جنس از تقود، مبیعت و معاملات نکنند»^{۱۲۱}، و پارچه های زریقت جز آنچه مخصوص پادشاه و خواص امر است نیافتند و از ساختن ظروف زر و سیم اجتناب کنند طوری که هر حرفه‌ای که موجب از بین رفتن زر و سیم است، تعطیل شود، به همین دلیل به اطراف ممالک عراق عرب و عجم و دیاربکر و ربیعه و موصل، میافزایند و آذربایجان و خراسان و کرمان و شیراز، امرای بزرگ فرستاده شد تا در هر ملکی چاوخانه بنیاد کردند، و برای آن متصدیان و دبیران و خازنان و سایر کارگزاران تعیین کردند و در هر جا میالغی مالی صرف ساختن چاوشد.^{۱۲۲} هر چند فرمان ایلخان در مورد چاپ چاوش تمام قلمرو حکومتی وی را شامل می‌شد، اما به نظر می‌رسد تبریز به عنوان پایتخت اولین شهری بود که چاوش در آنجا منتشر شد، رشیدالدین در شرح چگونگی چاپ و انتشار چاوش در تبریز چنین آورده است که:

«در آدینه بیست و هفتم شعبان، آقبوقا و طغاجار و صدرالدین و تماچی ایناق جهت اجرای چاوش تبریز شدند و نوزدهم رمضان آنجا رسیدند و یرلیغ رسانیدند و چاوش بسیار کردند و روز شنبه نوزدهم شوال^{۱۲۳} سه ثلث و تسعین و ستماء (۶۹۳ هـ) در شهر تبریز چاوش بیرون آوردند و روان کردند و فرمان چنان بود که هر نستانند، در حال او را بیاسا^{۱۲۴} رسانند، یک هفته از بیم شمشیر می‌ستانند، اما عوض آن زیاده چیزی به کسی نمی‌دادند و بیشتر مردم تبریز از راه اضطرار سفر اختیار کردند و اقمشه و اغذیه از روی بازار برگرفتند، چنانکه هیچ یافت نبود و مردم به جهت سیوه خوردن پناه به باغ بردند و شهری چنان آنبوه از مردم خالی شد بلکی...»^{۱۲۵}

وصاف نیز عدم قبول چاوش منتشر شده از سوی مردم تبریز را مورد تأیید قرار داده و برخلاف رشیدالدین که نوشته است تا یک هفته مردم از بیم شمشیر چاوش را مورد استفاده قرار دادند، معتقد است پس از سه روز دکانها خالی گشت و معاملات مسدود شد، طوری که اگر یک قرص نان را به یک دینار می‌فروختند، آنکه می‌یافت و می‌خرید شادمان می‌شد، او در جای دیگر نقل کرده است که در بازار اسب فروشان تبریز، اسبی را که بیش از پانزده دینار نمی‌ارزید، صد و پنجاه دینار چاوش می‌دادند، ولی صاحب آن نمی‌فروخت.^{۱۲۶}

علاوه بر مخالفت‌های عمومی، چاپ و انتشار چاوش مورد تأیید گروهی از بزرگان و خواص نیز قرار نگرفت طوری که شکتور نویان عملاً با این مسئله به مخالفت برخاست و چنین استدلال کرد که «چاوش موجب خرابی ممالک باشد و مستلزم بدنامی پادشاه و پراکندگی رعیت و لشکر»^{۱۲۸}، در توضیح و توصیف علل عدم موفقیت چاوش در سیستم اقتصادی و مالی آن زمان و عدم پذیرش آن از سوی عامه مردم، عوامل متعددی را می‌توان مطرح کرد؛ اما به نظر می‌رسد عمده‌ترین دلایل شکست چاوش یا پول کاغذی در ایران، خالی بودن خزانه دولتی و به تعبیر دیگر

بی‌پشتوانه بودن پولهای منتشر بوده است؛ زیرا استقراض‌های دولت به خوبی بر بازارگنان و تجار و حتی مردم روشن کرده بود که خزانه دولتی تهی از هر گونه زر و سیم است، لذا مردمی که از بی‌پشتوانه بودن اسکناس‌ها آگاهی داشتند، حاضر به تعویض زر و سیم و سکه‌های خود با کاغذهایی که نه ارزش ذاتی داشت و نه پشتوانه دولتی نبودند، در حالی که در چین پول کاغذی به واسطه سیاست‌های صحیح دولتی و ذخیره‌سازی مسکوکات جمع‌آوری شده در خزانه، اطمینان و اعتماد لازم را برای معامله و تجارت برای مردم فراهم کرده بود، به همین دلیل چاوش در سیستم اقتصادی چین به خوبی عمل می‌کرد؛ از سوی دیگر مردم ایران قبل از چاپ و انتشار یکباره پول کاغذی، هیچ اطلاع و آگاهی از این نوع پول و عملکرد آن نداشتند و چون از سوی حکومت و کارگزاران دولتی نیز قبل از به جریان افتادن این نوع پول زمینه پذیرش آن فراهم نشده بود مردم از قبول و تعویض آن با سکه که به ارزش و عملکرد آن آگاهی داشتند، نشدند. به معنای دیگر، کارگزاران حکومتی زمان گیخاتو، بدون در نظر گرفتن عامل روانی که در تمام ادوار گذشته و حل نقشی مهم در مسایل اجتماعی، اقتصادی ایفاء می‌کرده است، اقدام به چاپ و نشر اسکناس کرده و فرمان دادند هر کس نستانند، مجازات خواهد شد، در حالی اگر پولی با پشتوانه و با یک زمینه سازی قبلی، چاپ و منتشر می‌شد، به احتمال زیاد و با توجه به خواص برتری که نسبت به مسکوکات داشت، مورد قبول واقع می‌شد و به قول وصاف ممکن بود نتیجه‌های عاید مملکت گردد، ولی مردم به زر دل بستگی بیشتری داشتند و برای آن اعتبار دیگری قائل بودند.^{۱۲۹}

البته بعد از انتشار چاوش، اقداماتی در زمینه آماده سازی افکار عمومی صورت گرفت که بی‌نتیجه ماند. به عنوان مثال نوشتند که «چون چاوش عوض زر رواج یابد فقر میان مردم برود و غلات و حبوب ارزان گردد و غنی و فقیر برابر شوند»^{۱۳۰}

با وجودی که از نظر دستگاه حکومتی تصریح شده بود که اگر مردم از قبول چاوش امتناع کنند، کشته خواهند شد، مردم از قبول آن خودداری کردند و دکان‌ها را تعطیل کرده، به خارج شهر رفتند، اتفاقاً در یکی از همین روزها که گیخاتو از بازار تبریز می‌گشت، دکانها را خالی دید و از صدرالدین علت آن را پرسید و او به دروغ پاسخ داد که «شرف الدین لاگوشی که مقدم اینجاست مرده و مردم تبریز عادت دارند که در عزای بزرگان از بازار برخیزند»^{۱۳۱} و با ارائه این گزارش خلاف، مانع از آگاهی ایلخان از نظرات واقعی مردم و عدم قبول چاوش از سوی آنان شد؛ ولی نهایتاً اعتراضات مردم علنی گشته، موجب بروز ناآرامی و اغتشاش در تبریز شد، طوری که در روز جمعه گرد قطب الدین، قاضی القضاة جمع شده، و به حدی در مورد چاوش به او معترض شدند که جانش به خطر افتاد و هر چند مأمورین در این حادثه عده زیادی را به قتل رسانیدند، ولی او به ناچار اجازه داد که بعد از این مواد غذایی با پول نقد (سکه) فروخته نشود.^{۱۳۲} اعتراضات با این دستور خاتمه نیافت و با شدت بیشتری ادامه یافت و به حدی اوضاع اجتماعی، اقتصادی را مختل کرد که صدرالدین

زنجانی که مردم به واسطه چاپ پول کاغذی او را «صدر کاغذی» می‌نامیدند را بر آن داشت که در زمینه ابطال چاو باگیخاتو صحبت کند. اوایلخان را با این جملات که «اگر این حال دوام یا بد، باید دست از رونق ملک شست مرغوب ساخت»^(۲۳) به همین دلیل گیخاتو فرمان نوشت تا چاو را باطل کنند و رسولان این فرمان را به اطراف بردند و مردم خوشدل شدند.^(۲۴) و مردم تبریز که از شهر خارج شده بودند به شهر بازگشتند و در اندک مدتی شهر معمور و آباد شد. متأسفانه تاریخی که در آن یرلیغ صادر شد و در واقع پایان حکومت چاو را اعلام می‌دارد کاملاً مشخص نیست، اما احتمالاً این تاریخ در اواخر ذوالحججه سال ۶۹۳ هجری بوده است؛ اما چاو ناگهانی از دور خارج نشد، بلکه به ملایمت و تدریج از بین رفت.^(۲۵)

در مورد شکل ظاهری پول‌های کاغذی منتشر شده در زمان گیخاتو، چون متأسفانه تاکنون هیچ اثری از آن به دست ما نرسیده است، نمی‌توانیم اظهار نظری قطعی در این زمینه ارائه دهیم، اما با توجه به خصوصاتی که وصف از پول‌های کاغذی آن دوره بیان کرده است تا حدودی می‌توان به خصوصیات آنها پی برد، او در این باره چنین آورده است:

چاو کاغذی بود مربع مستطیل که پیرامون آن را چند کلمه به خط ختایی و بر بالای آن را دو طرف لا اله الا الله، محمد رسول الله و فروتر آن ایرنجین تورجی لقب^(۲۶) مغولی گیخاتو خان نوشته شده بود و در وسط دایره‌ای بود که در آن نیم درهم تا ده دینار رقم زده بود و بر روی آن این عبارت مسطور بود «پادشاه جهان در تاریخ سنه ۶۹۳ این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید تغییر و تبدیل کننده را یا زن و فرزند به یاسا رسانیده مال او را جهت دیوان بردارند»^(۲۷)

در رابطه با شیوه تولید اسکناس‌های این دوره ایران هیچ نوع اطلاع موثقی در اختیار نداریم، اما احتمالاً از روند چاپ با سمه‌ای چین که از قرن هشتم به بعد متداول شده بود، استفاده به عمل می‌آمده است. تعیین این چاپ‌ها به وسیله یا سعه چوبی یا صفحات مسی نظیر آنچه در چین از زمان قویلاکی به بعد در سال ۱۲۷۷ م انجام می‌شد ممکن نیست. ولی با توجه به نوشته‌های رشیدالدین که متذکر شده است، غازان دستور می‌دهد تمام وسایل مربوط به چاو وارد و بر قاطعه‌آتش گردد، می‌توان حدس زد که این چاپ‌ها احتمالاً وسیله باسمه‌های چوبی تولید می‌شده‌اند که قابل سوختن بوده‌اند.^(۲۸)

پول کاغذی منتشر شده در زمان گیخاتو با توجه به مطالبی که از نظر گذشت، نتوانست در سیستم اقتصادی ایران عملکرد دوام خود را حفظ کند و از میان رفت. اما استفاده از پول کاغذی چند قرن بعد در فرانسه رایج شد، زیرا در انقلاب فرانسه مجلس آن کشور با وضع قانونی خاص اراضی و املاک متعلق به کلیسا را ملی اعلام کرد و این اراضی تماماً در اختیار دولت قرار گرفت، لذا دولت برای پرداخت ارزش املاک در سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۶

میلادی پول کاغذی منتشر کرد که آن را در واقع نوعی کاغذ تضمین شده از طرف دولت تلقی می‌کردند، به همین دلیل به آن آسینگات (Assignat) به معنای امضا شده می‌گفتند، بعد از فرانسه در روسیه نیز به همان شکل پول کاغذی منتشر شد که با مختصر تحریقی در اسم فرانسوی آن آسینا به آن اطلاق شد و این کلمه در زمان فتحعلی شاه قاجار وارد زبان فارسی شد^(۲۹) و در ابتدا هم به مد حرف اول معمول بود لیکن بعدها حمزه اول آن در استعمال، مکتور شد و به صورت لفظ اسکناس متداول شد که تا امروز هم مورد عنایت است.



منابع و مآخذ

- ۱- چاو (Chow)، لغت چینی به معنای پول کاغذی است.
- ۲- عبدالحمید آیتی: تحریر تاریخ و صفات، نشرات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ج دوم، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰.
- ۳- همان، ص ۱۵۱.
- ۴- الباقی اشعانی، عباس: تاریخ مغول، نشرات امیرکبیر، ج ششم، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۲۸.
- ۵- عبدالحمید آیتی، همانجا، ص ۱۵۲، ۱۵۵.
- ۶- همان، ص ۱۵۲.
- ۷- سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، نشرات نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۶۴۴.
- ۸- عبدالحمید آیتی، همانجا، ص ۱۵۵.
- ۹- تمغا، ولزای مغولی و به معنای فرمان است.
- ۱۰- رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش دکتر بهمن کریمی، نشرات انبیا، ج دوم، ۱۳۴۲، ص ۸۳۵.
- ۱۱- همان، ص ۸۳۵.
- ۱۲- فضل الله بن عبدالله شیرازی (وصاف): تاریخ و صفات الحضرة، نشرات ابن سینا، ۱۳۳۸، ج سوم، ص ۲۷۱.
- ۱۳- عبدالحمید آیتی، همانجا، ص ۱۵۵.
- ۱۴- وصفات و مبرخواته، ماه ذیقعده را ثبت کرده‌اند.
- ۱۵- امضا، مجموعه لوآین وضع شده از سوی چنگیز، به یاسا رسانیدن، بنی مجازات کردند.
- ۱۶- رشیدالدین فضل الله، همانجا، ج ۲، ص ۸۳۵.
- ۱۷- عبدالحمید آیتی، همانجا، ص ۱۵۶.
- ۱۸- رشیدالدین فضل الله، همانجا، ج ۲، ص ۸۳۵.
- ۱۹- عبدالحمید آیتی، همانجا، ص ۱۵۶.
- ۲۰- همان، ص ۱۵۶.
- ۲۱- رشیدالدین فضل الله، همانجا، ج ۲، ص ۸۳۵ - ۸۳۶.
- ۲۲- همان، ج ۲، ص ۸۳۶.
- ۲۳- عبدالحمید آیتی، همانجا، ص ۱۵۷.
- ۲۴- همان، ص ۱۵۷.
- ۲۵- پطروشفسکی، ا. پ. - بان، کارل - ماسون سمیت، جازان: تاریخ اجتماعی، اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه بهمن بزرگ، نشرات اطلاعات، تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۳۰.
- ۲۶- ولز، مغولی به معنای سنگ های قیمتی، لقبی که خاندان به گیخاتو داده بودند.
- ۲۷- عبدالحمید آیتی، همانجا، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.
- ۲۸- پطروشفسکی، ا. پ. - بان، کارل - ماسون سمیت، جان: همانجا، ۹۶-۹۹.
- ۲۹- نوین فرخ بخش، فریدون، راهنمای اسکناس‌های ایران، ناشر، مؤلف، ج ۲، پیشگفتاری